سرقت‌های میلیاردی با گروگان‌گیری سرایداران

■ غلامرضا مسکنی

قاتل فراری که پس از ارتکاب در یکی از شهرهای غرب کشور به تهران گریخته بود، با تشکیل یک باند مخوف سرقت، برج‌های شمال پایتخت را هدف قرار داد. اعضای این باند با تهدید اسلحه و گروگان گرفتن سرایداران، زنگ واحدها را به صدا درمی‌آوردند و در پوشش اعتماد ساکنان، دست به سرقت‌های میلیاردی می‌زدند؛ شیوه‌ای که سرانجام با هوشیاری یک شهروند و ردزنی پلیس فاش شد.

چندی قبل مأموران پلیس تهران در جریان سرقت‌های سریالی از خانه‌هایی در چند برج مسکونی شمال تهران قرار گرفتند. شاکیان که اغلب از افراد ثروتمند بودند، در اظهاراتی مشابه اعلام کردند هنگام حضور در خانه، زنگ واحدشان به صدا درآمده و پس از نگاه از چشمی، سرایدار ساختمان را پشت در دیده‌اند، اما با باز شدن در، چند مرد مسلح و ماسک‌دار به همراه سرایدار وارد خانه شده و دست به سرقت‌های میلیاردی زده‌اند.

■ گروگان‌گیری سرایدار با تهدید اسلحه

برخی دیگر از شاکیان نیز گفتند در زمان حادثه در منزل حضور نداشتند و پس از بازگشت متوجه سرقت شدند. به گفته این افراد، سرایدار برج به آنها اطلاع داده که سارقان مسلح با تهدید اسلحه، او را مجبور کرده‌اند در واحدها را تخریب کنند و اموال باارزش را به سرقت ببرند.

تحقیقات پلیس نشان داد اعضای این باند با تهدید اسلحه، سرایدار ساختمان را گروگان می‌گرفتند و او را مجبور می‌کردند زنگ واحدها را بزند. به این ترتیب، زمانی که مالک یا ساکن در را باز می‌کرد، سارقان به‌راحتی وارد خانه شده و سرقت را انجام می‌دادند.

■ ورود پلیس آگاهی به پرونده

با ثبت شکایت‌های متعدد، تیمی از کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت، مأمور شناسایی و دستگیری سارقان شدند. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد سارقان در تمام سرقت‌ها از ماسک و دستکش استفاده می‌کردند تا شناسایی نشوند.

کارآگاهان همچنین دریافتند متهمان پس از هر سرقت با خودروهای سرقتی از محل متواری می‌شدند و سپس خودروها را در نقاط خلوت رها می‌کردند تا ردی از خود به‌جا نگذارند.

■ سرنخ طلایی یک شهروند

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، چند روز قبل مردی با پلیس تماس گرفت و سرنخ مهمی در اختیار کارآگاهان گذاشت. این شهروند که کار نظافت ساختمان‌ها را انجام می‌داد، گفت هنگام نظافت یک ساختمان چهارطبقه در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر، صدای مکالمه تلفنی مشکوکی را از داخل یکی از واحدها شنیده‌است.

او توضیح داد: «مردی داشت آدرس یک برج مسکونی را به همدستش می‌داد و درباره سرقت صحبت می‌کرد. وقتی فهمیدم نقشه سرقت در حال طراحی است، تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس اطلاع بدهم.»

■ خانه اجاره‌ای؛ مخفیگاه باند سرقت

پس از این تماس، مأموران به محل اعزام شدند و تحقیقات درباره ساکنان ساختمان را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد واحد مورد نظر متعلق به مردی است که خانه‌اش را به‌صورت روزانه و ساعتی اجاره می‌دهد. تحقیقات تخصصی پلیس مشخص کرد یک روز قبل، مردی به نام کامبیز، سارق سابقه‌دار، این واحد را برای یک روز اجاره کرده‌است.

■ بازداشت سرکرده باند

با به‌دست آمدن این اطلاعات، مأموران خانه مورد نظر را به‌صورت نامحسوس تحت نظر گرفتند و در نهایت کامبیز را دستگیر کردند. بررسی‌های بعدی نشان داد او همان سارق برج‌های مسکونی شمال تهران است که با تشکیل باندی چهار نفره، سرقت‌های سریالی را طراحی و اجرا می‌کرد.

کامبیز در بازجویی‌ها هویت سه همدست خود را فاش کرد و مأموران پلیس آگاهی نیز موفق شدند اعضای این باند را یکی پس از دیگری بازداشت کنند. تحقیقات تکمیلی برای روشن شدن ابعاد دیگر این پرونده و شناسایی سرقت‌های احتمالی ادامه دارد.

■ قاتل فراری که سرقت می‌کرد

کامبیز، ۲۲ ساله، سردسته باند سارقان مسلح خانه‌های شمال تهران است. او یک قاتل فراری به شمار می‌رود که مدتی قبل در شهر محل سکونتش، طی یک درگیری، مرتکب قتل شده و پس از آن متواری شده‌بود.

کامبیز، علاوه بر پرونده سرقت، نام تو در پرونده قتل هم ثبت شده‌است؛ درست است؟

بله. حالا که دستگیر شده‌ام، باید هم بابت سرقت‌ها محاکمه شوم و هم بابت قتلی که مدتی قبل مرتکب شدم.

بعد از قتل تصمیم گرفتی به تهران فرار کنی و باند سرقت تشکیل بدهی؟

نه. من از قبل همراه همدستانم برای سرقت از شهرستان به تهران می‌آمدم. معمولاً بعد از یکی دو سرقت از منازل، به شهرمان برمی‌گشتیم تا اوضاع آرام شود و بعد دوباره برای سرقت به تهران می‌آمدیم. چندی قبل، پس از سرقت از منزلی به شهرمان برگشتیم که بر سر یک اختلاف مالی با یکی از دوستانم درگیر شدم و در جریان آن او به قتل رسید. البته قصد کشتن او را نداشتم و فقط می‌خواستم بترسانمش، اما چاقو به بدنش برخورد کرد و باعث مرگش شد. بعد از این حادثه دوباره به تهران برگشتم و سعی می‌کردم کمتر به شهرستان بروم تا شناسایی نشوم، اما حالا که به جرم سرقت دستگیر شدم، مأموران فهمیدند قاتل فراری هم هستم.

درباره شیوه سرقت‌هایتان توضیح می‌دهی؟

این شگرد را با هم مشورت و طراحی کردیم. ما فقط از برج‌های مسکونی سرقت می‌کردیم، چون می‌دانستیم افرادی که در این برج‌ها زندگی می‌کنند، وضع مالی خوبی دارند و معمولاً در خانه‌شان طلا و پول نگه می‌دارند. برای شناسایی، ابتدا با سرایدار طرح دوستی می‌ریختیم. معمولاً با یک کادو سراغشان می‌رفتیم و می‌گفتیم از طرف یک خیریه این هدیه را آورده‌ایم. درباره کمک به نیازمندان صحبت می‌کردیم و بعد به‌صورت غیرمستقیم درباره ساکنان ساختمان سؤال می‌پرسیدیم. مثلاً می‌فهمیدیم واحد ۳ متعلق به یک طلافروش یا تاجر است. وقتی با سرایدار صمیمی می‌شدیم، او همه اطلاعات ساکنان را در اختیارمان می‌گذاشت و ما هم خانه مورد نظر را برای سرقت انتخاب می‌کردیم.

چرا سرایدار را گروگان می‌گرفتید؟

ما برای سرقت می‌رفتیم و باید همان موقع نقشه‌مان را اجرا می‌کردیم. بهترین راه این بود که سرایدار زنگ واحد مورد نظر را بزند. به همین دلیل با تهدید اسلحه او را پشت در می‌بردیم و مجبورش می‌کردیم زنگ بزند. صاحبخانه هم وقتی از چشمی نگاه می‌کرد و سرایدار را می‌دید، در را باز می‌کرد. حتی اگر سرایدار همراه همسرش بود، هر دوی آنها را پشت در می‌بردیم.

چه زمانی و چه چیزهایی سرقت می‌کردید؟

معمولاً شب‌ها اقدام می‌کردیم. اگر صاحبخانه داخل بود، کارمان سخت‌تر می‌شد و باید او و خانواده‌اش را تهدید می‌کردیم و بعد دست به سرقت می‌زدیم. اگر خانه خالی بود، قفل در را تخریب می‌کردیم و وارد می‌شدیم. بیشتر طلا، سکه، پول نقد و وسایل قیمتی کوچک را برمی‌داشتیم.

چند فقره سرقت انجام دادید؟

دقیق یادم نیست.

از هر خانه چقدر نصیبتان می‌شد؟

بستگی به خانه داشت؛ اینکه چقدر طلا، جواهر یا پول داخلش بود. بعضی خانه‌ها تا ۵ میلیارد تومان گیرمان می‌آمد، بعضی وقت‌ها هم هیچ‌چیز.

امنیت معادن کجای اولویت‌هاست؟

بررسی وضعیت امنیت معدن معدنجوی طبس مطالبه‌ای که ۵۳ جان بهای آن شد

رضا دهشیری/ جوان

■ حسین فصیحی

هزار و ۷۰۰ متر زیر زمین، جایی که هوا سهمیه‌بندی است، نور مصنوعی و زمان کش‌دار، هزار و ۶۵۰ مرد هر روز وارد تونل‌هایی می‌شوند که بازگشت از آن تضمین‌شده نیست. آنها معدنچی‌اند؛ قشری زحمتکش که چرخ صنعت را می‌چرخانند، اما خودشان در سایه مانده‌اند. فاجعه معدن معدنجوی طبس که ۵۳ کارگر را به کام مرگ کشاند، فقط یک انفجار نبود، بلکه برملا شدن یک حقیقت تلخ بود؛ امنیت معدنچیان در ایران، هنوز یک مطالبه جدی والزام‌آور نیست.

■ معدنی باسابقه، حادثه‌ای بی‌سابقه

معدن معدنجوی طبس از سال ۱۳۷۴ فعالیت خود را آغاز کرده، واحدی که در طول سه دهه، بارها به‌عنوان بهره‌بردار نمونه کشوری معرفی شده است. تولید ماهانه ۵۰ هزار تن زغال‌سنگ، اشتغال مستقیم نزدیک به هزار و ۷۰۰ نفر و نقش کلیدی در اقتصاد منطقه، این معدن را به یکی از مهم‌ترین قطب‌های زغال‌سنگ کشور تبدیل کرده بود، اما ۳۱ شهریورماه سال گذشته، تمام این اعداد و افتخارات در برابر یک واقعیت عریان رنگ باخت؛ ۵۳ جان انسانی.

آن روز چه گذشت؟

صبح آن روز، معدنچیان مثل همیشه برای لقمه‌ای نان، راهی اعماق زمین شدند. کسی فکر نمی‌کرد شیفت کاری به مرگبارترین حادثه معدنی کشور ختم شود. انفجار ناشی از تجمع گاز، در کسری از ثانیه تونل‌ها را به دام مرگ تبدیل کرد. دود، گاز و آتش، راه نفس را بست. پیکر ۵۳ نفر از دل زمین بیرون آمد، اما ۱۸۰ معدنچی دیگر، تنها با معجزه نجات یافتند. مرزی باریک میان مرگ و زندگی که اگر اندکی جابه‌جا می‌شد، فاجعه ابعاد هولناک‌تری پیدا می‌کرد.

تکرار تاریخ؛ از یورت تا طبس

این نخستین‌بار نبود؛ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، معدن یورت آزادشهر، ۴۳ معدنچی را بلعید. هفت سال بعد، طبس با ۵۳ قربانی رکورد تلخ‌تری ثبت کرد. نقطه مشترک همه این فجایع چیست؛ گاز، تهویه ناکافی، نظارت‌های ناکارآمد و ایمنی که همیشه بعد از مرگ جدی گرفته می‌شود. براساس ارزیابی‌های فنی، انفجار معدن طبس ناشی از تجمع حجم عظیمی از گاز بود. سیستم‌های موجود، توان کنترل و مهار این حجم را نداشتند. این یعنی یا تجهیزات کافی نبود، یا پایش مستمر و هوشمند وجود نداشت، یا اینکه هشدارها دیر داده شد. هر کدام که باشد، نتیجه یکی است؛ سیستم ایمنی نتوانست جان کارگران را نجات دهد.

بازرسی‌هایی که هشدار ندادند

پرسش کلیدی افکار عمومی این است؛ چرا با وجود بازرسی‌های دوره‌ای وزارت کار، سازمان نظام مهندسی و وزارت صمت، این خلأها قبل از حادثه کشف نشد؟ محمد مجتهدزاده، مدیرعامل معدن می‌گوید: «این معدن از سوی سازمان نظام مهندسی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای نظارتی به‌طور مستمر مورد ارزیابی قرار گرفته و سطح ایمنی آن در مقایسه با بسیاری از معادن کشور «مطلوب» بوده است.» او معتقد است حوادثی با این ابعاد، معمولاً نواقصی را آشکار می‌کند که پیش از آن، حتی در جریان بازرسی‌ها نیز امکان شناسایی‌شان وجود نداشته است.»

به گفته او، «هر سیستمی وقتی با حادثه‌ای مانند این انفجار مواجه می‌شود و بررسی‌های دقیق‌تری روی آن انجام می‌گیرد، ضعف‌ها و خلأهایی نمایان می‌شود که پیش‌تر از چشم پنهان بوده است.»

مدیرعامل معدن با اشاره به وجود سیستم‌های سنجش گاز پیش از حادثه می‌افزاید: «پیش از این نیز پایش گاز انجام می‌شد و تمام شیفت‌های کاری تحت کنترل بودند، اما پس از حادثه به این جمع‌بندی رسیدیم که این تجهیزات نیازمند ارتقا هستند.» او تأکید می‌کند که پایش گاز به‌صورت دستی و با دتکتورهای قابل حمل انجام می‌شده و همین بررسی‌ها و الزامات قانونی پس از حادثه، مجموعه را به سمت استقرار سیستم‌های پیشرفته‌تر و مانیتورینگ محیطی سوق داده است.

با این حال، همین توضیحات یک پرسش بنیادین را برجسته می‌کند؛ اگر ایمنی معدن در ارزیابی‌ها «مطلوب» بوده، چرا نواقص حیاتی تنها پس از مرگ ۵۳ معدنچی آشکار شد و اگر ارتقای تجهیزات و استقرار سیستم مانیتورینگ امروز ممکن است، چرا این الزامات پیش از وقوع فاجعه به‌عنوان یک ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی تلقی نشد؟

پاسخ به این پرسش‌ها، فراتر از یک معدن و یک حادثه است؛ مسئله‌ای که بار دیگر نشان می‌دهد تعریف «ایمنی مطلوب» در معادن کشور، نیازمند بازنگری جدی است. بازنگری که اگر به تأخیر بیفتد، ممکن است دوباره با بهای جان کارگران پرداخت شود. «سطح ایمنی معدن در مقایسه با سایر معادن مطلوب بوده است.» اما واقعیت این است که مطلوب بودن روی کاغذ، وقتی ۵۳ نفر جان می‌بازند، دیگر اعتباری ندارد.

ایمنی پس از مرگ؛ سناریوی تکراری

بعد از حادثه، ناگهان همه‌چیز ممکن شد؛ خرید و نصب سیستم‌های بزرگ تهویه، تفکیک شبکه‌ها و فن‌های مستقل، استقرار ۶۲ دستگاه گازسنج پیشرفته آلمانی، ایجاد مرکز آموزش ایمنی در طبس، اجرای سیستم مانیتورینگ محیطی با فناوری خارجی.

سؤال تلخ اما ساده است؛ اگر این اقدامات ممکن بود، چرا قبل از مرگ ۵۳ معدنچی انجام نشد؟

عدالت یا مصلحت؟

مقصران به دستگاه قضایی معرفی شدند. بازداشت، پابند الکترونیک، بند کارگری، تعلیق حبس و مجازات‌های تکمیلی. استدلال روشن بود: توقف معدن، معیشت هزار و ۶۵۰ کارگر را به خطر می‌اندازد، اما افکار عمومی هنوز می‌پرسد که آیا این احکام، وزن ۵۳ جان از دست‌رفته را دارد؟

محمدجعفر عبداللهی، رئیس کل دادگستری خراسان جنوبی می‌گوید معادن زغال‌سنگ ذاتاً پرخطرند و نمی‌توان فشار حداکثری بر آنها وارد کرد. اما همین جمله، نگرانی اصلی را آشکار می‌کند؛ اگر پرخطر بودن توجیه کاهش ایمنی شود، مرگ معدنچیان ادامه‌دار خواهد بود.

بسیاری از معادن زغال‌سنگ کشور سنتی اداره می‌شوند. مطالبات پرداخت نشده، نبود تسهیلات، هزینه بالای مکانیزه‌سازی و فشار اقتصادی، ایمنی را به هزینه‌ای قابل حذف تبدیل کرده‌است. در طبس، تنها یک معدن مکانیزه وجود دارد و بقیه با حداقل‌ها ادامه می‌دهند.

اما همزمان، مسئله‌ای ساختاری‌تر نیز از سوی دستگاه قضایی مطرح می‌شود؛ مسئله‌ای که به بنیه اقتصادی معادن بازمی‌گردد. به گفته رئیس کل دادگستری خراسان جنوبی، بخش قابل توجهی از مطالبات معادن زغال‌سنگ از شرکت ذوب‌آهن اصفهان پرداخت نشده و همین موضوع، توان مالی معادن برای تجهیز و ارتقای ایمنی را با چالش جدی مواجه کرده است.

او تأکید می‌کند که وصول این مطالبات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین تجهیزات ایمنی و کاهش خطرات ایفا کند. با این حال، شرکت ذوب‌آهن تاکنون حاضر به پرداخت بدهی‌های خود نشده و پیگیری این موضوع حتی تا سطح ریاست‌جمهوری نیز پیش رفته است.

کارشناسان می‌گویند بخشی از حقوق دولتی معادن باید به ایمنی بازگردد. تسهیلات بانکی ویژه برای مکانیزه‌سازی ضروری است و نظارت‌ها باید پیشگیرانه، هوشمند و غیرقابل اغماض باشد. همچنین بدون این اقدامات، هر حادثه فقط مقدمه حادثه بعدی است. معدنچیان نه امنیت شغلی دارند، نه دستمزد متناسب با خطر و نه تضمین بازگشت سالم به خانه. آنها هر روز با مرگ قرارداد می‌بندند، قراردادی نانوشته، اجباری و ناعادلانه. حادثه طبس نباید به آرشیو سپرده شود. باید در نظر داشت ایمنی معدنچیان، مطالبه‌ای ملی است؛ نه پروژه پس از بحران و تا زمانی که جان کارگر ارزان‌تر از تولید باشد، ایمنی بعد از مرگ معنا پیدا کند و نظارت‌ها پیشگیرانه نباشد، اعماق زمین همچنان قربانی خواهد گرفت.

دستگیری باند سرقت مسلحانه محموله ۷۰۰ میلیونی برنج در تهران

فرمانده پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ از انهدام و دستگیری اعضای یک باند سرقت مسلحانه محموله دو تن برنج به‌ارزش تقریبی ۷۰۰ میلیون تومان خبر داد. این سارقان با تهدید و استفاده از سلاح سرد و همچنین جعل رسیدهای بانکی، راننده و محموله را به محل خلوتی در محدوده مشیریه هدایت و برنج‌ها را به خودروی دیگری منتقل کرده‌بودند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه سید قاسم موسوی‌فر در تشریح جزئیات این پرونده گفت: «در اواخر آبان ماه امسال، شکایتی از کلانتری ۱۶۹ مشیریه به پایگاه ششم پلیس آگاهی واصل شد. شاکی اعلام کرده‌بود قصد فروش دو تن برنج از طریق برنامه «دیوار» را داشته‌است که فردی ناشناس با معرفی خود به نام «مراد»، با جلب اعتماد او، محموله را ربود.» وی ادامه داد: «در محل وقوع سرقت، دو نفر از سارقان مسلح به چاقو و قمه، راننده را تهدید و محموله برنج را به خودروی نیسان دیگری منتقل کردند. این اقدام باعث ایجاد احساس ناامنی در منطقه شد و پرونده به صورت ویژه در دستور کار تیم مبارزه با سرقت‌های زورگیری قرار گرفت.» با اقدامات اطلاعاتی و بررسی دوربین‌های مداربسته، مسیر انتقال بار و هویت سارقان شناسایی شد. سرهنگ موسوی‌فر تصریح کرد: «متهمان اصلی شامل صابر، فردی سابقه‌دار، رحیم و نوید، طراح اصلی و جاعل رسیدهای بانکی از کرج بودند. با اخذ نیابت قضایی از شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، سه تیم عملیاتی به مخفیگاه متهمان اعزام و صابر در مهرشهر کرج دستگیر شد.» در ادامه بازرسی‌ها از محل سکونت یکی از متهمان، حدود دو تن برنج مسروقه کشف شد و پرونده برای تکمیل مراحل قانونی به پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد. متهم اصلی در بازجویی‌ها به سرقت و کلاهبرداری بیش از پنج تن برنج از کشاورزان اعتراف کرده‌است.

سرهنگ موسوی‌فر در پایان افزود: «تاکنون بیش از ۲۰ نفر از شکات برای شناسایی متهم دعوت شده‌اند و تحقیقات برای شناسایی سایر همدستان، کشف اموال مسروقه و استرداد اموال مالباختگان ادامه دارد.»

آگهی مزایده عمومی – نوبت اول

شهرداری در نظر دارد مزایده عمومی تحت عناوین ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده عمومی از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است، مزایده گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام درسایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

- تاریخ انتشار مزایده در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ می باشد.
- مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از سایت: ساعت ۱۳ روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۸
- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹
- زمان بازگشایی: ساعت ۱۴ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

عنوان	مبلغ سپرده به ریال	شماره مزایده
فروش یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۱۸/۶۰ متر و مربع به پلاک ثبتی ۳۶/۸۱۶۶ با کاربری مصوب ورزشی به روش نقدی	۲۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۰۰۴۰۹۴۵۰۰۰۰۰۰۶

- اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار:
- آدرس: بزرگراه آیت اله سعیدی – روبروی سه راه بوتان – خیابان شهید حاجی احمد – پلاک ۱۰– ساختمان شهرداری و تلفن: ۵۵۲۷۹۲۹۵ – ۰۲۱
- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
- مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ – ۰۲۱
- دفتر ثبت نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

امور قراردادهای شهرداری چهاردانگه

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸